



The Analysis of Buildings Façade's Challenges and the Role of Effective Groups in its Formation in the City of Tehran

ARTICLE INFO

Article Type

Analytic Study

Authors

Seyed Mahdi Khatami

How to cite this article

Khatami SM,- The Analysis of Buildings Façade's Challenges and the Role of Effective Groups in its Formation in the City of Tehran . 2022 September 23;12(3):63-78

<https://doi.org/10.1401.12.3.1.5>

Assistant Professor of Urban Design, Department of Urban Design and Planning, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

*Correspondence

Address: Room 303, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Jalal-e Al-e Ahmad Street, Tehran, Iran.

Email: s.khatami@modares.ac.ir

Phone: +98-21-82883730

Article History

Received: 2022/02/21

Accepted: 2022/08/28

ePublished: 2022/09/23

ABSTRACT

Aims: The subject of urban façade identity is one of the most important problems of urban planning and design in the context of Iranian cities which is not the case in developing countries. Despite discussion on urban façades identity crisis in academic circles and urban management, there is still a huge gap between current urban façades and the proper situation in practice. In this regard the aim of this research is to answer why this gap exists and also to identify the key identity challenges in the process of creating these urban façades in Tehran.

Materials & Methods: This Paper stands on the author's experience, library study and interview with some relevant experts. Through discussion with some experts in the field of architecture and urban design in some universities in Tehran and also from urban management authorities, effective groups on the identity of Tehran urban facades and how their impact have been recognized and analysed.

Findings: Based on the research outcome there are four main effective groups on the formation of urban façades identity: citizens, investors, designers and urban managers. The contributions of each group in this identity challenge have been clarified.

Conclusion: In order to improve this process, the first priority is raising awareness for all including citizens and investors. Moreover, inconsistency between professional practices and its payment needs to be solved. Finally, urban design matters such as the combination of mass and space should be reproduced in the urban management system.

Keywords: Façade, Urban Façade, Building Façade, Urban Identity, Contemporary Architecture, New Technologies, Modern Heritage, Urban Design

CITATION LINKS

- [1] Daneshpour, S. An Introduction to Meaning and Function of... [2] Mirmoghtadayee M. Criteria for Understanding and Assessing the ... [3] Atashinbar, M. The Continuity of Identity in Urban Landscape ... [4] Nasr, T., Majedi, H. The Significance of "Identity" in Urban Planning ... [5] Human-made Identity and the Identity-Maker Human... [6] Nasr, T. The Significance of "Landmarks" in Analysis of the Components ... [7] Donboli S, Kalantari Khalilabad H, Aghasafari A. Recognition of... [8] Pourjafar MR, Johari F. A Query in Determining the Urban Design... [9] Mirmoghtadayee M. The Methodical Suggestion for Analysing... [10] Habib, F., Naderi, S., Forouzangohar, H. A Following Questionnaire ... [11] Majedi H., Fahimi A.H. Identical Design of Human Settlement ... [12] Seyedian S, Alinia S, Heidar Nattaj V. The Typology of Urban ... [13] Afifi V, Talaei M, Fahimi Far A. Inspecting the Ornamentations ... [14] Khatami SM, Boujari P. Analyzing the heritage ... [15] Esmaili, F., Charehjo, F., Hoorijani, N. Analyzing and Evaluating ... [16] Khak Zand M, Mohammadi M, Jam F, Agha Bozorgi K. Identification ... [17] Talaei, M., Ansari, M., Dorjvar, F. The Role of Ornamentations... [18] Mohammadi, M. Redefining the Semantic Implications of ... [19] Mahdavejad MJ, Pourfathollah M. New Lighting Technologies... [20] Pourfathollah M, Mahdavejad M. Viewerphilic ... [21] Naghizadeh M, Zamani B, Karami E. Cultural consideration ... [22] Akhgar P, Antony M. The legacy of the École des ... [23] Panahi S, Mirzaei Q, Mohammadikia M. Comparative... [24] Grigor T. Orient oder Rom? Qajar "Aryan" architecture ... [25] Hassanpour, N., Soltanzadeh, H. Background Factors in... [26] Sattarzadeh D, Balilan Asl L. Identification of the components ... [27] Moussavi Aghdam K. Building Iran: Modernism ... [28] Diba D. Contemporary architecture of Iran ... [29] Sadeghifar M, Pazhouhanfar M, Farrokhzad M... [30] Harvey D. The urbanization of capital: Studies ... [31] Christophers B. Revisiting the urbanization of capital ... [32] Khatami SM, Boujari P, Ranjbar E. Toward a social ... [33] Altomonte, S., P. Rutherford, and R. Wilson... [34] Boer, P. 2013. Assessing sustainability and social responsibility ... [35] M Khatami S.M., Boujari P, Ranjbar E. Urban Design Education ... [36] Forsyth, A., H. Lu, and P. McGirr. 2000. Service learning... [37] Pendar H, & Rastegar Zhaleh S. Content Analysis and ... [38] Habibi E, Khatami S.M. Analysis of Tehran's Urban... [39] Motadayyen H, Hojjati R. Artificial facades; The identification capacities... [40] Shouri M, Noahdi R. Sustainable Income Sources ... [41] Mousavi SM, Karimian Bostani M, Hafiz Reza Zadeh ... [42] Danesh Jafari D, Babajani J, Karimi Osbuei S. Stability... [43] Sharzeh ie G, Majed V. Sustainable financing... [44] Khatami S. Heydarian A, Najafi, Edalatkhah D. The effect...

واکاوی چالش‌های هویت نماهای ساختمانی و نقش گروه‌های موثر در شکل‌گیری آن در شهر تهران

سید مهدی خاتمی

گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

چکیده:

اهداف: موضوع هویت نماهای شهری یکی از مهم‌ترین مسائل شهرسازی در ایران است که نظیر آن در کشورهای اروپایی و آمریکایی کم‌تر دیده می‌شود. علی‌رغم تبیین مسئله بحران هویت در نماهای شهری تهران در محافل نظری و مدیریتی، همچنان در عمل فاصله زیادی با نماهای مطلوب وجود دارد. در این راستا هدف پژوهش حاضر، شناسایی مهم‌ترین گروه‌های مؤثر در فرایند شکل‌گیری هویت نماهای مسکونی در شهر تهران است.

ابزار و روش‌ها: مقاله حاضر مبتنی بر مصاحبه با برخی صاحب‌نظران، بحث‌های گروهی و مطالعات کتابخانه‌ای است. از طریق مباحثه با برخی متخصصین در حوزه معماری و شهرسازی در دانشگاه‌های مختلف تهران و نهادهای مدیریتی، عوامل و کنشگران اثرگذار بر هویت جداره‌های شهری تهران شناسایی شد و نحوه اثرگذاری آن‌ها تحلیل گردید.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های پژوهش، چهار گروه شهروندان، سرمایه‌گذاران، طراحان و مدیریت شهری به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی در فرایند شکل‌گیری هویت نما شناسایی شدند و سهم هریک از آن‌ها در ایجاد چالش‌های هویتی در نماهای شهری تهران تشریح گردید.

نتیجه‌گیری: به‌منظور بهبود فرایند تولید نماهای با هویت می‌توان برنامه و سیاست‌هایی را متناسب با هر یک از چهار گروه ذکرشده تدوین نمود. افزایش آگاهی عمومی و فرهنگ‌سازی اولین گام مهم در زمینه حل این چالش است. از دیگر چالش‌های مهم عدم تناسب دستمزد و کار حرفه‌ای به علت عدم تناسب بین عرضه و تقاضا در عرصه طراحی است. در حوزه مدیریت شهری نیز بی‌توجهی به مباحث طراحی شهری مانند ترکیب توده و فضا از جمله مسائلی است که باید مورد بازنگری قرار گیرد.

کلمات کلیدی: نمای شهری، جداره شهری، نمای ساختمان، هویت شهری، معماری معاصر، فناوری‌های نوین معماری، میراث معماری معاصر، شهرسازی، طراحی شهری

مقدمه

نما چه از حیث موضوع و چه از حیث گستردگی جامعه‌ی مخاطبان آن اهمیتی ویژه دارد. این اهمیت نیز با در نظرگیری اثرگذاری مثبت و یا سوء نماهای شهری بر میزان اضطراب، استرس، ترس، امنیت، نشاط دوچندان می‌شود. مجموعه

نماهای یک شهر، همانند کلماتی هستند که در کنار همدیگر در یک جمله، یک پاراگراف و نهایتاً در یک متن یکپارچه شخصیت و هویت پیدا می‌کنند و نیازمند ارتباط متقابل باهم هستند. با این وجود نابسامانی جداره‌های شهری در ایران به یک چالش جدی در دوره معاصر تبدیل گشته است.

تاکنون مقالات و کتب بسیاری پیرامون طراحی جداره ساختمان‌ها و همچنین هویت شهری در محافل دانشگاهی به رشته تحریر در آمده است. علاوه بر آن چندین همایش ملی نیز با حمایت شهرداری تهران در دهه اخیر پیرامون نمای ساختمان و سیمای شهر برگزار شده است. این مطلب نشان از دغدغه‌مندی بسیاری از دانشگاهیان و مسئولین ذی‌ربط در این حوزه است. این دغدغه باعث شد که از سال ۱۳۹۳ کمیته‌های نما در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران شکل بگیرد تا طراحی نماهای ساختمان‌ها را بررسی کنند و گامی در راستای هماهنگی نماهای شهری و هویت‌مندی شهر تهران بردارند. سؤالی اصلی که در این میان پیش می‌آید آن است که چرا علیرغم این دغدغه‌ها در عمل فاصله با وضعیت مطلوب بسیار زیاد است؟ به عبارتی دیگر چرا مسئله بحران هویت در نماهای شهری روز به روز جدی‌تر می‌گردد و سیمای شهرهای ایرانی به سمت بحران هویت میل می‌کنند؟

جواب این سؤال بیش از هر چیز در فرآیند طراحی نماهای شهری و عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر در آن نهفته است. این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق کتب، مقالات و همایش‌های برگزار شده به محتوای نما و اصول طراحی جداره شهری خوب می‌پردازد.

هر چقدر در محافل علمی ما به جداره و نمای شهری به‌عنوان یک محصول درست پرداخته شود، تا زمانی که نیروهای اثرگذار در فرآیند تولید نماهای شهری شناسایی و تبیین نگردد، عملاً تمام این مباحث محتوایی تأثیر لازم را ندارد. از طرف دیگر تمرکز بسیاری از مطالعات در حوزه هویت شهری در دوران معاصر بر نماهای شاخص است. علی‌رغم نقش مؤثر نماهای شاخص در هویت یک شهر، نقش نماهای مسکونی که بیشترین درصد از کاربری زمین

یک شهر را به خود اختصاص می‌دهند، بسیار قابل اهمیت است. لذا در این نوشتار تلاش می‌گردد تا مهم‌ترین چالش‌های هویتی در فرایند طراحی نماهای مسکونی در سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی به‌عنوان میراث معماری معاصر تهران از طریق شناسایی کنشگران مؤثر آن مورد بحث قرار گیرد. در واقع، فهم درست این فرایند نیازمند شناخت گروه‌ها و عوامل زمینه‌ای و دخیل در آن است. اگر میزان تأثیر هر یک از این گروه‌های ذی‌نفوذ در این فرایند به درستی شناخته شوند و برای هر کدام متناسب با آن توسط نهادهای مسئول برنامه‌ریزی شود، فاصله بین نظر و عمل بسیار کم خواهد شد و می‌توان امید داشت که وضعیت هویت در سیمای شهر تهران بهبود یابد.

پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت نماها در سیمای هویت‌مند شهری و با وجود اینکه مقالات و کتب متعددی در باب هویت شهری به رشته تحریر در آمده است، اما پژوهش‌هایی که هویت را در کنار نماهای شهری مورد مطالعه قرار دهد، کمتر صورت گرفته است. در این راستا مقالات را می‌توان در دو بخش هویت شهری و نماهای شهری دسته‌بندی کرد.

دانشپور (1383) [۱] میرمقتدایی (۱۳۸۳) [۲] به‌عنوان پیشگامان بررسی هویت در شهرسازی و محیط انسان ساخت، چارچوب تئوری خوبی برای این مفهوم فراهم آورده اند. در ادامه آتشین بار و دیگران (۱۳۸۸) [۳] نصر و ماجدی (۱۳۹۲) [۴] نیز به واکاوی هویت از نگاهی متفاوت پرداخته‌اند؛ و یا عیسی حجت (۱۳۸۴) [۵] با بررسی سیر

تحولات مفهومی هویت در طول تاریخ، به تعریفی از هویت دست‌یافته است. نصر (۱۳۹۶) [۶] به مؤلفه‌های فرهنگی هویت پرداخته است و نقش فضاهای شهری را در هویت‌مندی شهر مورد بررسی قرار داده است. دنبلی و دیگران (۱۳۹۷) [۷]، آتشین بار (۱۳۸۸) [۳]، پورجعفر و دیگران (۱۳۹۲) [۸] همراه با بیان ملاحظات فرهنگی-اجتماعی به بررسی هویت در منظرشهری پرداخته‌اند. برخی نویسندگان چون میرمقتدایی (۱۳۸۵) [۹]، حبیب و دیگران (۱۳۸۷) [۱۰] و ماجدی و فهیمی (۱۳۹۱) [۱۱] با تأکید بر ابعاد کالبدی به هویت پرداخته‌اند.

با بررسی مقالات حوزه نما نیز دریافت شد که بررسی ابعاد کالبدی نما، بیشترین مبحثی بود که بر روی آن تمرکز شده بود؛ سیدیان و همکاران (۱۳۹۶) [۱۲]، عفیفی و همکاران (۱۳۹۷) [۱۳]، خاتمی و بوجاری (۱۳۹۹) [۱۴]، اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۹) [۱۵]، خاک زند و همکاران (۱۳۹۳) [۱۶] و طلایی و همکاران (۱۳۹۷) [۱۷] به بررسی ابعاد کالبدی و زیباشناسانه نما و جداره‌های شهری پرداخته‌اند. در این بین محمدی (۱۳۹۷) [۱۸]، مهدوی نژاد و پورفتح اله (۱۳۹۴) و (۲۰۲۰) [۱۹ و ۲۰] به بیان اجزای کالبدی نما از نظر میزان مطلوبیت بصری برای انسان و آشنایی با ابعاد ادراکی او پرداخته‌اند. آنچه در بررسی این پژوهش‌ها آشکار است آن است که تحقیقات اندکی به بررسی فرایندهای طراحی نما پرداخته‌اند. در جدول زیر پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون موضوعات هویت و نماهای شهری دسته‌بندی موضوعی شده‌اند:

جدول ۱: بررسی موضوعی پیشینه پژوهش

دانشپور (۱۳۸۳)، آتشین بار و دیگران (۱۳۸۸)، نصر و ماجدی (۱۳۹۲)	تاکید بر:	هویت شهری
عیسی حجت (۱۳۸۴)، میرمقتدایی (۱۳۸۵)	ابعاد نظری	
نصر (۱۳۹۶)	ابعاد فرهنگی، اجتماعی	
آتشین بار (۱۳۸۸)	ابعاد کالبدی	
پورجعفر و دیگران (۱۳۹۲)	میرمقتدایی (۱۳۸۳) (۱۳۸۵)	
دنبلی و دیگران (۱۳۹۷)	ماجدی و فهیمی (۱۳۹۱)	
	حبیب و دیگران (۱۳۸۷)	

سیدیان و همکاران (۱۳۹۶)، خاتمی و بوجاری (۱۳۹۹)	ابعاد کالبدی و زیبایی شناسی	نماهای شهری
عفیفی و همکاران (۱۳۹۷)، اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۹)		
خاک زند و همکاران (۱۳۹۳)، طلایی و همکاران (۱۳۹۷) محمدی (۱۳۹۷)		
یگانه (۱۳۸۷)، نقی زاده و همکاران (۱۳۸۹)	ابعاد فرهنگی	بعد محتوایی
مهدوی نژاد و پورفتح اله (۱۳۹۴ و ۲۰۲۰)	ابعاد روانی	
بیگی و همکاران (۱۳۹۲)	ابعاد روانی	بعد رویه ای
خاتمی (۱۳۹۸)، فلاح و سعادت سرشت (۱۳۹۳)	رویه های و ابزارها	

با نگاهی به نماهای ساختمان‌ها در سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی می‌توان روند وضعیت هویت نماهای شهری در تهران در سده اخیر را مشاهده نمود. در دوره قاجار، تأثیرات معماری دوره صفویه که آن‌هم حاصل سنت چند هزار ساله تاریخ معماری این سرزمین بود، بر کالبد نما وجود دارد. به عبارتی علیرغم شروع جریان غرب‌گرایی، در این دوره هویت محلی بر هویت جهانی غلبه داشت. اما در دوره پهلوی، تاریخ سرزمینی که بستر تجربیات مذکور است در حد بسیار گسترده‌ای کنار گذاشته می‌شود و عناصر و جزییات بومی در نما حذف می‌شود. در این دوره هویت بومی مغلوب جریان جهانی شدن در عرصه‌های مختلف از جمله معماری و شهرسازی می‌گردد و مسیری متفاوت با امتداد تاریخ این سرزمین برای هویت جامعه برنامه‌ریزی و اجرا می‌گردد و در دوگانه هویت محلی و جهانی شدن، هویت محلی کم‌رنگ می‌گردد. در دوره جمهوری اسلامی، دوگانگی سنت و تجدد در جامعه رنگی جدید به خود می‌گیرد [۱۴]. در دوره‌های قبل بدین گونه بود که یکی بر دیگری غالب بود. در دوره قاجار، سنت و در پهلوی، تجدد. اما در این دوره جدال این دو با یکدیگر جدی‌تر است. در این دوره توهمی مضاعف به دو وجه منفی غرب‌زدگی و بیگانگی از خود بروز می‌کند. بیگانگی از آن جهت که شیفتگی ما به غرب و فلج ذهنی ما

در مقابل فرآورده‌های خیره کننده آن، تذکری که مستلزم تفکر سنت ما بوده، از میان می‌برد. از این‌رو، راه ما هم به تفکر غربی بسته است و هم به کانون تجلیات خاطرات بومی. درواقع درک روشنی از هویت در این دوران برای حاکمان، مدیران و هم‌چنین مردم وجود ندارد و به واسطه خطای عاملان آن و نه تقدیر تاریخی، دو دسته، چند دسته و به قولی چهل تکه می‌شود که بروز آن در معماری امروز را می‌توان به وضوح دید. به‌طوری‌که هرچه در این سده به سمت حال نزدیک‌تر می‌شویم، بحران هویت در جامعه جدی‌تر می‌شود و نتیجه این می‌شود که تعدد الگوهای نما بیشتر و وضعیت نماها باری به هر جهت‌تر می‌شود [۲۱].

در دوره قاجار معمولاً با تقسیم سطح نما به سه یا پنج قسمت (تعداد فرد) و تأکید بر قسمت مرکزی از طریق ایجاد پیش‌آمدگی و مرتفع کردن آن، وحدت بر نما حاکم می‌شد. تمامی سطوح ساختمان نماسازی می‌گردید. تزیینات جزئی از معماری ساختمان که با سازه ساختمان در هماهنگی کامل بود. در خط بام، جزییات گره چینی با آجر به‌عنوان یکی از نشانه‌های نمای ساختمان‌های این دوره است. از قوس جناغی (تیزه‌دار) به‌عنوان یک عنصر هویت بخش با عملکرد سازه‌ای استفاده می‌شده است. بازشوها دارای تناسبات سه‌دری و پنج‌دری و جنس آن‌ها چوبی بود که با هم‌نشینی در کنار آجر

دوره برخلاف دوره‌های قبل، بازشوها از حیاط درونی ساختمان به نماهای بیرونی انتقال یابند و فضاهای عمومی به درون ساختمان‌ها کشیده شوند. اما در مجموع باید گفت که هنوز در نماها، مصالح و تزئینات بومی و اصول حاکم بر معماری گذشته مشاهده می‌شود و نماها باهم هماهنگ هستند [۲۲-۲۴].



شکل ۱: نمونه‌ای از جداره شهری مسکونی در دوره قاجار، خیابان لبافی نژاد (راست) و خیابان سعدی (چپ)، تهران

خطوط آسمان به خطوط افقی تبدیل گشت و از حالت شیروانی که در دوره قاجار مرسوم بود، خارج شد. یکی از مهم‌ترین تغییرات در نمای ساختمان‌ها در اوایل این دوره، نحوه ترکیب توده و فضای ساختمان است که با طراحی حجمی، فضاهای پر و خالی در ساختمان ایجاد می‌شود و فضای نیمه باز عنصری اثرگذار در ترکیب ساختمان و نمای آن می‌گردد. گرچه این رویکرد در دوره پهلوی دوم کم‌رنگ‌تر شد [۲۲، ۲۵-۲۷].

ترکیب مناسبی را به وجود می‌آورد و با ظرافت‌های خاص و ایجاد فرورفتگی، فضای پنجره بر روی سطوح نما تعریف می‌شد. در این دوره، عناصری نظیر کلاه‌فرنگی از معماری غرب اقتباس شد و به‌صورت سقف‌های شیروانی در خط آسمان‌نما رواج پیدا کرد و در تهران به‌عنوان پایتخت کشور رواج یافت. همچنین می‌توان به ظهور خیابان به‌عنوان مصداقی دیگر از این گرایش اشاره کرد که سبب شد در این

در دوره پهلوی، نوعی یکسان‌سازی که به‌واسطه استانداردسازی و انبوه‌سازی شکل گرفته بود، بر معماری حاکم شد و سبک بین‌المللی که به زمینه و بستر نظری نداشت، قوت گرفت. در این دوره بر خلوص فرم و سادگی تأکید می‌شود. تقارن در بناها از بین می‌رود و تعادل به جای آن در طراحی ساختمان از اصول حاکم بر نماها می‌شود. تزئینات در نماها به حداقل می‌رسد و عناصر بومی از نماها حذف می‌شود. پنجره‌ها حالت افقی پیدا می‌کنند و بر بعد افقی نما تأکید می‌شود. همچنین با مسطح شدن سقف بناها

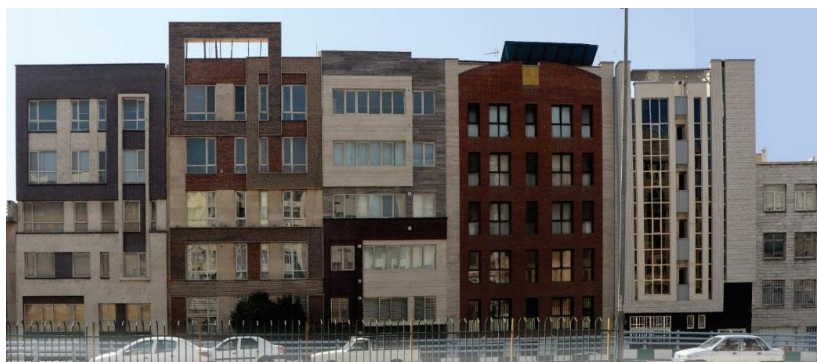


شکل ۲: نمونه‌ای از جداره شهری مسکونی در دوره پهلوی، خیابان انقلاب، تهران

نماهای ساختمان بسیار ساده و عموماً یک مصالح غالب بود. نمایی از هرگونه تزئینات بود و بازشوها صرفاً روزنه‌ای

در دوره جمهوری اسلامی ویژگی‌های کالبدی نماهای شهری را می‌توان به چند دوره زمانی تقسیم نمود. در اوایل انقلاب

مختلف و ناسازگار در نما استفاده می‌گردد. بعد از آن به واسطه بروز نماهای رومی خصوصاً در شمال تهران، استفاده از سنگ در نما شدت می‌یابد و نمای ساختمان‌ها به نماهایی پرمطراق و پرتفاخر تبدیل می‌شوند. قوس‌های رومی تزئینی و ریزه‌کاری‌های زیاد بر روی سنگ، وسیله‌ای برای خودنمایی هرچه بیشتر در این دوره می‌گردد و بار دیگر نماها متقارن می‌شود. لذا درمجموع آشفتگی در نماهای شهری افزایش می‌یابد و هماهنگی و انسجام میان نماها تا حد زیادی در جداره‌های شهری از بین می‌رود [۱۴، ۲۸].



شکل ۳: نمونه‌ای از جداره شهری مسکونی در دوره جمهوری اسلامی، بزرگراه جلال آل احمد، تهران

در مرحله بعد مصاحبه‌های عمیقی حول موضوع، عوامل و نیروهای مؤثر در شکل‌گیری هویت نماهای شهری انجام گرفت. مصاحبه شوندگان شامل متخصصین در حوزه معماری و شهرسازی در دانشگاه‌های مختلف تهران و نهادهای مدیریتی بودند. مصاحبه‌ها در مهر ماه ۱۳۹۸ انجام شد و به‌صورت میانگین بین ۳۰-۴۵ دقیقه به طول انجامید. پس از انجام هشت مصاحبه، اشباع نظری حاصل گردید. سپس مصاحبه‌ها به‌صورت متن پیاده گشت و با کدگذاری و مقوله‌بندی اطلاعات، مهم‌ترین گروه‌های ذی‌نفوذ در فرایند شکل‌گیری هویت نماهای شهری تهران در چهار گروه اصلی دسته‌بندی شد و چگونگی اثر گذاری آن‌ها در این فرایند تحلیل گردید. این چهار گروه عبارت‌اند از: شهروندان، سرمایه‌گذاران، طراحان و مدیریت شهری.

مواد و روش‌ها

مقاله حاضر یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات برآیندی از مصاحبه با برخی صاحب‌نظران، تجارب حرفه‌ای و تخصصی نویسنده و مطالعات کتابخانه‌ای است. از این‌رو ابتدا نگارندگان به تدوین چارچوب نظری اولیه با مباحثه حول تجربیات تخصصی و اندوخته‌های فکری خود پرداخته و به یک دسته‌بندی اولیه از کنشگران مؤثر در شکل‌گیری هویت نماهای شهری میراث معاصر تهران شامل اواخر دوره قاجار، دوره پهلوی و دوره جمهوری اسلامی رسیدند. برای این منظور تمرکز پژوهش بر بررسی نماهای مسکونی در سه دوره مذکور است، چرا که این کاربری بیشترین سهم را در میان کاربری‌های مختلف دارد و نقش بسزایی در معرفی هویت میراث معاصر تهران خواهد داشت.

یافته‌ها

شهروندان

از شهروندان می‌توانند به‌عنوان اثرگذارترین گروه بالقوه در میان سایر گروه‌های مداخله‌گر در فرایند شکل‌گیری هویت نماهای ساختمانی نام برد. در واقع سلیقه و خواست عمومی مردم و واکنش آن‌ها به نماهای ساختمان‌ها می‌تواند باعث جریان‌سازی در این زمینه شود. قدرت این نیرو بستگی مستقیم به میزان منفعل بودن و یا فعال بودن مردم دارد و هر چه آن‌ها در این زمینه فعال‌تر و حساس‌تر باشند و مطالبه‌گری بیشتری داشته باشند، تأثیرگذارتر خواهند بود. نقش این گروه در بسیاری از کشورهای پیشرفته بسیار کلیدی است و کمپین‌های مردمی بسیاری در زمینه مسائل شهرسازی و معماری و حقوق عمومی مربوط به آن به‌صورت فعال در این کشورها وجود دارد. درحالی‌که در ایران به دلایل مختلف مطالبه‌گری مردم بالا نیست، خصوصاً در زمینه جداره‌ها و نماهای شهری که جزو اولویت‌های مردم به حساب نمی‌آید. ارتقا حساسیت مردم به این مسئله ارتباط مستقیم با آگاهی رسانی عمومی در این حوزه دارد و نقش اصحاب رسانه و متولیان فرهنگی در این زمینه بسیار حائز اهمیت است [۱۴].

[۲۹].

بدین منظور لازم است در درجه اول به نمای ساختمان‌ها به عنوان یک حق عمومی نگریسته شود. این که نمای یک ساختمان بخشی از هویت کوچه، خیابان، محله و شهر است و به‌صورت تنها بی‌معنی است، نیاز به آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی دارد. این که نمای ساختمان‌ها به‌عنوان بخشی از هویت و شناسنامه شهر در نظر گرفته شود نیازمند ارتقاء آگاهی عمومی و فرهنگ‌سازی است. اگر در میان بسیاری از دغدغه‌مندان میراث فرهنگی، پژوهشگران معماری و یا معماران باتجربه، نماهای رومی و به اصطلاح کلاسیک غیرقابل قبول و کاملاً بی‌ارتباط با زمینه و هویت تاریخی ما می‌باشد، اما برخی از مردم به این‌گونه نماها علاقه‌مند هستند تا حدی که حاضرند بهای بیشتری برای خرید آپارتمانی با چنین نمایی بپردازند، نشان از کم‌کاری رسانه‌ها و آموزش عمومی در این حوزه است. افزایش آگاهی عمومی می‌تواند با ابزارهایی مانند ساخت مستندهای تصویری، برگزاری مسابقه برای طراحی نماهای هویت‌مند، معرفی نماهای خوب به مردم در سطح شهر، برگزاری رویدادهای عمومی در این زمینه ارتقاء یابد و نیازمند برنامه‌ریزی از طرف متولیان مدیریت شهری، صداوسیما و سایر نهادهای فرهنگی ذی‌ربط است.



شکل ۴: نماهای مسکونی کلاسیک در دوره جمهوری اسلامی، الهیه، تهران

شهری تهران امروز از سبک نماهای شهری قرون گذشته در ایتالیا و یا برخی شهرها و کشورهای دیگر استفاده شود، از

بی‌ربطی نماهایی رومی به هویت بومی کشور نیازمند فرهنگ‌سازی در میان عموم است. این که در طراحی نماهای

نظر متخصصین بسیار ناهنجار است. حتی در خود اروپا نیز تقلید از ساختمان‌های مربوط به قرون گذشته در سرزمین خودشان در نمای ساختمان‌های امروزی امری نامتعارف تلقی می‌گردد. اگر این مسئله به صورت عمومی آموزش داده شود و تقلید از نمای رومی یا باروک در نماهای شهری تهران امروز به عنوان یک امر ناهنجار تلقی شود، دیگر سازنده ساختمان و سرمایه‌گذار حاضر نیست چندین برابر یک ساختمان معمولی سنگ مصرف کند و علی‌رغم هزینه بالای ساخت آن، باز هم سود بسیاری به خاطر نمای کلاسیک یا رومی نصیب او شود. شبیه این جریان البته در مقیاسی متفاوت را می‌توان در حدود دو یا سه دهه گذشته تهران مشاهده کرد.

در آن زمان برخی از مردم حاضر بودند برای ساختمانی که نمای آن از سنگ گرانیت بود هزینه بیشتری پرداخت کنند و سنگ گرانیت در نگاه ایشان به عنوان مصالحی لوکس شناخته می‌شد تا جایی که این نوع سنگ به علت تقاضای زیاد سازندگان جزو گران‌ترین سنگ‌ها شده بود. در حالی که از نظر کارشناسی سنگ گرانیت مصالحی نامتناسب برای نمای ساختمان است، و بیشتر با فضاهای داخلی سازگار است و تاب‌آوری دارد. بعد از گذشت دو دهه، امروزه با تغییر گرایش مردم نماهای گرانیتی به ندرت اجرا می‌شود. اکنون نیز می‌توان خواست و سلیقه مردم را با آگاهی‌رسانی به سمت نماهای با هویت و متناسب با شهر تهران هدایت نمود.



شکل ۵: نماهای مسکونی گرانیتی، تهران

سرمایه‌گذاران

علاوه بر شهروندان به عنوان مخاطب بناهای ساختمانی در سطح شهر، بخشی از مردم نیز به عنوان خریداران، سرمایه‌گذاران و مالکان بناهای ساخته شده، از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار بر هویت نماهای ساختمانی هستند. سلیقه این بخش از مردم لزوماً بیانگر سلیقه اکثریت مردم نیست و ممکن است با سلیقه متوسط مردم متفاوت باشد. به عنوان مثال بخشی از قشر مرفه در شمال تهران حاضر هستند برای خرید بنایی که نمای رومی دارد هزینه بیشتری پرداخت کنند. این قشر با توجه به این که سرمایه در اختیار دارد، می‌تواند سازندگان و معماران را به دنبال خود بکشاند. در کمیته‌های نما خصوصاً در مناطق شمال تهران بسیار پیش آمده است که معمار کاملاً مخالف نمای کلاسیک است و می‌داند طراحی در این سبک امری کاملاً متضاد با تاریخ و هویت ایران است،

اما به دنبال منافع اقتصادی خود و خواست سازنده، نمای کلاسیک طراحی می‌کند، و سازنده نیز در پی سلیقه مشتری‌های منطقه و فروش بهتر محصولات ساختمانی خود است. نقش بنگاه‌های خرید و فروش ملک نیز در این راستا مؤثر است.

یکی از دلایل اصلی این موضوع، سرمایه‌ای شدن مسکن در کشور است که با سایر مشکلات کلان کشور گره خورده است. سود جریان رانت ساخت و ساز در تهران در این است که تهران همیشه کارگاه ساختمانی باشد و این تخریب و ساخت و ساز دائمی به نفع این جریان سرمایه‌داری است. در واقع شهر تهران مصداق «سرمایه‌ای شدن مسکن» است؛ بدین معنا که زمانی که در جامعه‌ای نظام تولیدی به بن‌بست می‌رسد، سرمایه به مدار املاک و مستغلات منتقل می‌شود و از طریق سود هنگفتی که از آن حاصل می‌شود، تولید رانت

می‌گردد [۳۰ و ۳۱]. لذا این سازنده‌ها و سرمایه‌گذاران هستند که در شکل‌گیری شهر و هویت آن نقش مؤثری دارند. به عبارتی دیگر این قدرت سرمایه است که همچنان عامل مهمی برای ساخت و ساز و شکل گرفتن شهرهاست. حل ریشه‌ای این مسئله خارج از اختیارات طراحان و برنامه‌ریزان شهری است و بیشتر به سیستم حکم‌روایی کشور مرتبط است.

طراحان و معماران

در دوره قاجار با توجه به جامعه سنتی آن زمان، خاطره قومی هنوز منشأ اثر بود. «هنرمندان آسیایی، قرن‌ها همان نقش‌ها و الگوهای را که باتجربه درونی‌شان غنی شده است، تکرار می‌کنند. منظور هنرمند چندان ابداع فردی و خودنمایی نیست که وفاداری به خاطره و احیای گنجینه‌های آن است. به همین دلیل پرده گمنامی نام آفریننده بیشتر آثار هنری آسیا را پوشانده و به آن‌ها نوعی هاله آفرینندگی جمعی داده است» [۲۴]. در دوره پهلوی با ایجاد دانشکده‌های معماری و آموزش مبتنی بر نظام غرب و بی‌توجهی به تاریخ، فرهنگ و فنون معماری بومی باعث شد تا نماهای این دوره عاری از هرگونه عنصر هویتی شود. در اوایل دوره جمهوری اسلامی معماری و معماران چندان مورد توجه مدیران نبودند، اما با گذشت حدود دو دهه و در پی تولید انبوه فارغ‌التحصیلان معماری بعضاً کم دانش و دارای ولع رشد، در رقابتی سخت میان معماران، نماهای شهری به ابزار نمایش خودنمایی آن‌ها تبدیل گردید. در واقع برخلاف دوره قاجار، در این دوره هنرمند بیشتر به دنبال ابداع فردی است تا احیا و امتداد میراث گذشته.

البته باید در نظر داشت که عوامل دیگر چون تکنیک و مصالح ساخت در توجه بیشتر به ابداعات فردی توسط معماران مؤثر بوده است. در دوره قاجار با توجه به محدودیت‌های تکنولوژی ساخت معماری، تنوع کم مصالح نسبت به دوره‌های دیگر و استفاده فراگیر از آجر قزاقی، نماها از هماهنگی نسبی برخوردار بودند. در دوره پهلوی، مصالح جدید کم‌کم وارد شد. سازه‌های فلزی رواج یافت و نماها به دلیل تغییر نوع سازه و دیوارهای غیرباربر شفاف‌تر گشت.

گوناهگونی نماها زیاده‌تر شد. به گونه‌ای که علاوه بر آجر در نماها از مصالح سیمانی و سنگ نیز استفاده شد. اما چون از اصولی تبعیت می‌شد، نماها دارای انسجام نسبی بودند. در دوره جمهوری اسلامی افزایش تنوع مصالح از قبیل انواع سنگ‌ها، چوب، شیشه، آجر، آلومینیوم و غیره از طرفی و مدگرایی جامعه و استقبال از هر عنصر نوینی باعث شد تا نما به‌نوعی تبدیل به ویتترین نمایش مصالح جدید شود و مصالحی که سنخیتی باهم ندارند در نما استفاده گردند و به آشفتگی بیشتر نماهای شهری دامن زده شود.

با این حال یکی از مهم‌ترین چالش‌های ریشه‌ای، تولید انبوه فارغ‌التحصیل معماری بدون توجه به میزان نیاز جامعه و وجود بسیاری از دانشگاه‌های کم‌کیفیت است که ممکن است با نگاه تجاری در راستای تولید مدرک ایجاد شده‌اند. در برخی دانشکده‌های معماری نیز توجه به موضوع طراحی یک آپارتمان و نمای آن در بافت مسکونی مغفول واقع شده است و لذا فرد تازه فارغ‌التحصیل دانشگاه در این زمینه توانایی کافی ندارد. توجه به امر آموزش طراحی جداری و نمای شهری در دانشگاه‌ها [۳۲-۳۶] و حتی در دوره‌های ورود به صلاحیت طراحی و ارتقاء پایه در نظام مهندسی ضروری به نظر می‌رسد. یکی از مشکلات آموزش معماری ما بی‌توجهی به زمینه در طراحی و پرورش معمارانی است که تعریف آن‌ها از معماری، طراحی بنای شاخص و یادمانی است. از این‌رو ممکن است دغدغه اصلی آن‌ها متفاوت بودن و دیده شدن باشد. قطعاً این رویکرد با فرهنگ جامعه نیز پیوند خورده است و فراتر از معماران است، اما برخی دانشکده‌های معماری نیز موجب تشدید این امر شده‌اند. شاخص بودن نما لازم است متناسب با عملکرد بنا باشد. بناهای عمومی متناسب با میزان عمومی بودنشان باید شاخص باشند، مثلاً یک مجتمع فرهنگی محلی در حد محله و یک موزه شهری در حد شهر شاخص باشد. اما بناهای مسکونی در حالت کلی قرار نیست به عنوان بنای شاخص طراحی شوند. برای حل این مسئله علاوه بر آموزش‌های لازم بهتر است خلاقیت معماران به سمت تکنیک‌های هماهنگی با بناهای هم‌جوار و هم‌چنین

طراحی نماهای هویتمند سوق یابد تا باعث اغتشاش، ناهماهنگی و ناآرامی در سطح شهر نگردد.

در کنار این مسئله باید توجه داشت که برخی از طراحان، تجربه کافی در زمینه طراحی نمای باکیفیت ندارند. افراد باتجربه، هنرمند و صاحب صلاحیت، کار کمتری بر عهده دارند و اغلب طراحان نما، افراد تازه فارغ التحصیل و یا حتی دانشجوی هستند و تجربه و صلاحیت کافی در این حوزه ندارند و ممکن است با داشتن توانایی بازاریابی در پروژه‌های بسیاری شرکت کنند. برخی از طراحان نما درک عمیقی از مقیاس واقعی ساختمان، هماهنگی ساختمان با بناهای اطراف، توجه به دید ناظر و جزئیات اجرایی و از همه مهم‌تر هویت بومی ندارند. از طرف دیگر با توجه به نبود تعادل میان حجم کار و دستمزد طراح، انگیزه و حس مسئولیت‌پذیری ایشان کم می‌شود که ممکن است در نهایت نیز منجر به کاهش کیفیت کار شود. نبود درجه‌بندی طراحان، رها شدن طراحی نما از جنبه صنفی، و مشارکت برخی از معماران بی‌تجربه در طراحی نما باعث شده است، دستمزد طراحی توسط برخی از ایشان به صورت غیر منطقی پایین بیاید.

مدیریت شهری

گرچه برخی اقدامات مثبت در حوزه هویت بخشی به نماهای شهری در طی سالیان اخیر در مدیریت شهری تهران صورت گرفته است، [۳۷] تصمیمات غلطی که در شهرداری‌ها و سایر نهادهای شهری توسط قانون‌گذاران و مدیران شهری گرفته می‌شود گاهی سیمای شهر را به کلی به هم می‌ریزد. برخی از تصمیمات کلان مدیران شهری کاملاً بی‌ربط به زمینه است و بسیار تأثیرگذارتر از طراحی یک پوسته به اسم نما است. ترکیب غلط توده و فضا، تعریف غلط نمای جانبی، بی‌توجهی به تعادل و نظم ارتفاعی در طرح‌های تفصیلی شهرها، بی‌توجهی به فضای باز و نیمه‌باز و تصویب مصوباتی مانند برج باغ از جمله مهم‌ترین تصمیمات غلطی است که گرفته شده و می‌شود و تأثیر منفی بر هویت جداره‌ها و سیمای شهری می‌گذارد.

یکی از مهم‌ترین رویه‌های غلطی که سیمای شهر را آشفته کرده است، ترکیب توده و فضا به صورت ۴۰-۶۰ است. در این شیوه به جای در نظرگیری خیابان به عنوان محور توده و فضا و همچنین به عنوان محور تعریف کننده نماهای اصلی، هر قطعه زمین به صورت جداگانه مبنای کار قرار می‌گیرد. نمای جانبی نیز ناشی از این بی‌توجهی به خیابان به عنوان محور دید است. برای مثال گاهی نمایی که در مجاورت بزرگراه است به عنوان نمای جانبی در نظر گرفته شده است و امکان ایجاد هیچ بازشویی در آن وجود ندارد و آن را به صورت یکنواخت و بدون هیچ روزنه‌ای سیمان می‌کنند، و نمای کوچه‌ای کم‌عرض، به عنوان نمای اصلی در نظر گرفته می‌شود. در حالی که مشاهده‌کنندگان نمای جانبی (از خیابان اصلی یا بزرگراه) بسیار بیشتر از مشاهده‌کنندگان به اصطلاح نمای اصلی (نمای کوچه‌ای کم‌عرض) هستند. علاوه بر آن، پیروی از این ترکیب توده و فضا در اکثر شهرهای ایران بدون توجه به هویت اقلیمی و فرهنگی هریک سبب شد که شکل شهرها بسیار شبیه یکدیگر شوند و هویت شهری آن‌ها مخدوش گردد [۳۸ و ۳۹].

نظام ارتفاعی ناهماهنگ نیز از دیگر نتایج تصمیمات و رویه‌های مدیریتی اشتباه است. عدم تعادل در تعداد طبقات در یک کوچه یا یک خیابان، هم باعث آشفته‌گی جداره‌های شهری می‌شود و هم می‌تواند به کیفیت نور و منظر ساختمان‌های مجاور ضرر برساند و از همه مهم‌تر حس بی‌عدالتی در مردم ایجاد کند. برای مثال به یک ساختمان مسکونی در یک کوچه هشت متری مجوز ساخت ساختمان هفت، یا هشت طبقه و یا حتی بیشتر داده می‌شود. درواقع این موضوع ناشی از پدیده‌ای به نام تراکم‌فروشی است که از دو یا سه دهه پیش شروع شده است و همچنان تا امروز ادامه یافته است. عدم تعریف درست سازوکارهای پایدار برای درآمدزایی شهرداری‌ها منجر به این شیوه درآمدزایی شده است [۴۰-۴۳]. بدین صورت که کمیسیون ماده پنچ در شهرداری‌ها با دادن مجوز ساخت، بیش از آنچه که در طرح

فرهنگ‌سازی از جمله اقدامات مهم در زمینه حل این چالش است. تا مادامی که سلیقه عمومی مردم در حوزه نماهای شهری با هویت ایرانی بالا نرود، نمی‌توان امید به بهبود این فرایند داشت. برای این منظور همگی نهادهای شهری از مدیریت شهری و هم‌چنین رسانه گرفته تا سمن‌ها همگی باید در جهت نمایش ساختمان‌های با هویت ایرانی به مردم تلاش کنند. این موضوع نیاز به برنامه‌ریزی مستمر و بلند مدت دارد. ازجمله چالش‌های دیگر در فرایند شکل‌گیری جداره‌های شهری هویت‌مند، عدم توزیع درست کار به افراد باتجربه و ذی‌صلاح، تولید انبوه فارغ‌التحصیلان معماری بدون توجه به میزان نیاز جامعه و رقابت‌های بعضاً ناسالم در گرفتن کار، انجام طرح‌های بی‌کیفیت و غیرمسئولانه، و عدم تناسب دستمزد و کار حرفه‌ای است. برای این منظور رتبه‌بندی طراحان نما، طراحی نظامی درست در راستای تشویق و یا الزام کارفرمایان به سپردن کار به طراحان با صلاحیت، آموزش‌های لازم معماران در دانشگاه و نظام مهندسی و گنجاندن دروس مربوط به مبانی هویتی شهرهای ایران در برنامه‌های درسی، و تقویت نهادهای صنفی می‌تواند بسیار راهگشا باشد.

از طرف دیگر تغییر سریع مدیران، عدم وجود سند بالادست کاربردی، بی‌توجهی به تعادل و نظم ارتفاعی، ترکیب غلط توده و فضا، جدا بودن کمیته نما و معماری، تعریف غلط نمای جانبی ازجمله تصمیمات و اقدامات نادرست در حوزه مدیریت شهری است. با توجه به رویکرد متفاوت مدیران، ایجاد زیرساخت‌های لازم به گونه‌ای که با تغییر مدیران، خطی مشی درست طراحی هویت‌مند تغییر نکند، امری ضروری است. در این راستا اقداماتی نظیر تهیه اسناد کاربردی در مقیاس‌های مختلف توسط متخصصین طراحی شهری و معماری متناسب با تأکید بر هویت بومی و زمینه‌گرایی، تلفیق کمیته نما و معماری در شهرداری‌ها و تعریف مکانیزم شفاف و منطقی در کنترل نماهای شهری، و پررنگ شدن نقش طراحان شهری در تصمیمات تخصصی می‌تواند به بهبود فرایند نماهای شهری با هویت بسیار کمک کند.

تفصیلی در نظر گرفته شده است، در برخی موارد به ناهماهنگی بیشتر در نظام ارتفاعی شهر دامن می‌زنند.

یکی دیگر از مصوبات غلط مدیریت شهری، قانون برج باغ بود که بدون توجه به زمینه و حقوق عمومی به تصویب رسیده بود و نه تنها موجب آشفته‌گی سیمای شهر تهران گردید، بلکه برخلاف هدف اولیه آن باعث تخریب باغات شد. مصوبه برج باغ‌ها به اسم حفظ و صیانت از باغات از سوی شورای شهر دوره دوم تهران در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسید. به موجب آن متولیان ساخت‌وساز می‌توانستند صرفاً در ۳۰ تا ۴۰ درصد از مساحت باغ، با رعایت ضوابط و مقررات بلندمرتبه‌سازی، ساخت‌وساز انجام دهند و ۶۰ تا ۷۰ درصد باقی‌مانده باغ را حفظ کنند. این قانون در عمل بر ضد هدف اولیه خود حرکت کرد و از زمان تصویب قانون برج باغ‌ها بسیاری از باغات شمال تهران از بین رفت و ناهماهنگی حجم و ارتفاع ساختمان‌ها در یک گذر واحد باعث شد که هماهنگی نماهای شهری تضعیف گردد و حق دسترسی به نور خورشید برای برخی مجاورین برج باغ‌ها ضایع شود که سرانجام بعد از ۱۴ سال این مصوبه لغو شد. [۴۴].

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر مهم‌ترین چالش‌های هویت نما در شهر تهران بررسی گردید. بر این اساس چهار گروه شهروندان، سرمایه‌گذاران، معماران و طراحان و هم‌چنین مدیریت شهری به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی در فرایند شکل‌گیری هویت نما شناسایی شدند و نحوه و میزان اثرگذاری هریک از آن‌ها در این فرایند در بخش‌های مختلف تشریح گردید. لذا به منظور بهبود فرایند تولید نماهای با هویت نیز می‌توان برنامه و سیاست‌هایی را متناسب با هر یک از چهار گروه نام‌برده تدوین نمود.

منفعل بودن و عدم حساسیت کافی مردم به نماهای شهری با هویت و هم‌چنین تقابل سلیقه برخی خریداران با هویت بومی و یا مباحث کارشناسی ازجمله چالش‌های فرایند طراحی نماهای با هویت است. افزایش آگاهی عمومی و



نمودار ۱: مهم‌ترین گروه‌های مؤثر در فرایند شکل‌گیری هویت نماهای شهری تهران

منابع

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

سهم نویسندگان: سید مهدی خاتمی، پژوهشگر اصلی، روش شناس و نگارنده مقاله (۱۰۰٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان ذکر نشده است.

1. Daneshpour, S. An Introduction to Meaning and Function of Identity of Man-Building Environment. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 2004; 1(1): 59-70.
Available from: http://www.bagh-sj.com/article_1494.html

2. Mirmoghtadayee M. Criteria for Understanding and Assessing the Physiccal Identity of Cities. The Journal of Honar - ha - ye - Ziba-Memari - Va - ShahrSazi, 2004; 19: 29-38.
Available from:
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=33687>

3. Atashinbar, M. The Continuity of Identity in Urban Landscape. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, 2009; 6(12): 45-56.
Available from: http://www.bagh-sj.com/article_32.html

4. Nasr, T., Majedi, H. The Significance of "Identity" in Urban Planning. Armanshahr Architecture & Urban Development, 2014; 6(11): 269-277.

Questionnaire in Discourse of Physical Aspect of City and Identity (Physical Aspect Follows Identity or Identity Follows Physical Aspect). Hoviatshahr, 2008; 2(3): 13-23

Available from:

https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1088.html

11. Majedi H., Fahimi A.H. Identical Design of Human Settlement: A Holistic Approach in relation to Settlement. Journal of Iranian Architecture & Urbanism(JIAU), 2011; 2(2).
<https://doi.org/10.30475/ISAU.2011.61948>

12. Seyedian S, Alinia S, Heidar Nattaj V. The Typology of Urban Façade Texture (in an approach to shape scrutiny) (Case study of Imam Khomeini Square in Tehran). The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, for Art. Architecture & Urbanism. 2017; 14 (53): 15-32.
Available from: http://www.bagh-sj.com/article_51265.html?lang=fa

13. Afifi V, Talaei M, Fahimi Far A. Inspecting the Ornamentations of Valuable Historic Envelopes to Find Paradigm for continuing IranianIslamic Ornamentation on Urban facades (Case Studies: Bala Khiaban, Mashhad). Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2018;8 (2):111-121.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1397.8.2.5.9>

14. Khatami SM, Boujari P. Analyzing the heritage of Tehran's urban façades in the recent century. City, Territory and Architecture. 2022; 9 (1): 1-15.
<https://doi.org/10.1186/s40410-022-00166-1>

15. Esmaili, F., Charehjoo, F., Hoorijani, N. Analyzing and Evaluating Facades with a Special Approach to

Available from:

http://www.armanshahrjournal.com/article_33478.html?lang=en

5. Human-made Identity and the Identity-Maker Human (On the Relationship between Architecture and Identity) The Journal of Honar - ha - ye - Ziba-Memari - Va - Shahr-sazi, 2005; 24: 55-62. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=63592>

6. Nasr, T. The Significance of “Landmarks” in Analysis of the Components of “Identity” and “Culture” in the Image of Iranian City (Case Study: Image of Shiraz City). Hoviatshahr, 2017; 11(1): 17-28. Available from: https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_10588.html

7. Donboli S, Kalantari Khalilabad H, Aghasafari A. Recognition of Urbanscape Identity Components in Iranian Islamic Cities - The case of Tehran. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning. 2019;8(4):223 -230.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224991.1397.8.4.3.1>

8. Pourjafar MR, Johari F. A Query in Determining the Urban Design Criteria in Order to the Culture of the Turkmen People. Armanshahr Architecture & Urban Development journal. 2013; 6 (11): 195-208. Available from: http://www.armanshahrjournal.com/article_33475.html

9. Mirmoghtadayee M. The Methodical Suggestion for Analysing the City Character. Journal of Environmental Studies, 2006; 32(39)
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.10258620.1385.32.39.14.1>

10. Habib, F., Naderi, S., Forouzangohar, H. A Following

Research and Application. 2020; 45(1): 120-128.

<https://doi.org/10.1002/col.22450>

21. Naghizadeh M, Zamani B, Karami E. Cultural consideration in urban facade formation (Emphasize on urban facade formation in Iranian Islamic architecture). *Hoviat-e-Shahr*. 2011; 4 (7): 61-74. Available from:

https://hoviatsahr.srbiau.ac.ir/article_1135_f909896c1b631a988076da12da94eaae.pdf?lang=en

22. Akhgar P, Antony M. The legacy of the École des Beaux-Arts in twentieth-century Iran: the architecture of Mohsen Foroughi. *The Journal of Architecture*. 2021; 26: 945-968.

<https://doi.org/10.1080/13602365.2021.1976247>

23. Panahi S, Mirzaei Q, Mohammadikia M. Comparative Analysis of Natural Elements in the Architecture of Tabriz and Kashan Houses (During Qajar Era). *Middle-East Journal of Scientific Research*. 2013;13(4): 507-517.
<https://doi.org/10.5829/idosi.mejsr.2013.13.4.2763>

24. Grigor T. Orient oder Rom? Qajar "Aryan" architecture and Strzygowski's art history. *The Art Bulletin*. 2007; 89: 562-90. Available from:
<https://www.jstor.org/stable/25067341>

25. Hassanpour, N., Soltanzadeh, H. Background Factors in Contemporary Architecture Developments of Iran During the Second Pahlavi and Comparative Comparison with Turkey. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2017; 13(44): 39-52. Available from: http://www.bagh-sj.com/jufile?ar_sfile=1025215&lang=en

Visual Aesthetics Using the Grid Method (Case Study: Enqelab Street in Sanandaj). *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 2020; 17(82): 65-78.

<https://doi.org/10.22034/bagh.2019.165147.3934>

16. Khak Zand M, Mohammadi M, Jam F, Agha Bozorgi K. Identification of factors influencing urban facade's design with an emphasis on aesthetics and ecological dimensions Case study: Valiasr (a.s.) Street –Free Region of Qeshm. *Motaleate Shahri*, 2014; 3(10): 15-26. [Persian] Available from: https://urbstudies.uok.ac.ir/article_8763.html

17. Talaei, M., Ansari, M., Dorjvar, F. The Role of Ornamentations in Retrieving Iranian-Islamic Identity of Urban Façades; Case Study: Mashhad's Bala and Paein Khiaban Historical Axes. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 2020; 12(29): 99-112. <https://doi.org/10.22034/aud.2020.102368>

18. Mohammadi, M. Redefining the Semantic Implications of Facades in Adaptation to Emotional Response of Observers Case Study: Shariati Street, Tehran. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 2019; 11(21): 39-58. <https://doi.org/10.30480/aup.2019.620>

19. Mahdavinejad MJ, Pourfathollah M. New Lighting Technologies and Enhancement in Sense of Belonging (Case Study: Tehran Buildings). *Human Geography Research*. 2015; 47 (1): 131-142.
<https://doi.org/10.22059/jhgr.2015.51238>

20 - Pourfathollah M, Mahdavinejad M. Viewerphilic nightscape based on correlated color temperature. *Color*

URBAN DESIGN International, 2022
July 28.
<https://doi.org/10.1057/s41289-022-00195-9>

33. Altomonte, S., P. Rutherford, and R. Wilson. 2014. Mapping the way forward: Education for sustainability in architecture and urban design. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management* 21 (3): 143–154.
<https://doi.org/10.1002/csr.1311>

34. Boer, P. 2013. Assessing sustainability and social responsibility in higher education assessment frameworks explained. In *Sustainability assessment tools in higher education institutions*, 121–137. Cham: Springer.
https://doi.org/10.1007/978-3-319-02375-5_7

35. Khatami S.M., Boujari P, Ranjbar E. Urban Design Education: Analysis of Educational Methods with Emphasis on the Framework of Social Responsibility. *Urban Design Discourse a Review of Contemporary Litreatures and Theories*. 2022; 2 (3) :89-110
Available from:
<http://udd.modares.ac.ir/article-40-59102-fa.html>

36. Forsyth, A., H. Lu, and P. McGirr. 2000. Service learning in an urban context: Implications for planning and design education. *Journal of Architectural and Planning Research* 1: 236–259. Available from:
<https://www.jstor.org/stable/43030542>

37. Pendar H, & Rastegar Zhaleh S. Content Analysis and Review of “Design, Monitoring and Implementation of Tehran Façades” Enactment based on procedural and substantial dimension of urban design. *Urban Mangement*. 2021; 63, 23-44. Available from:
<http://ijurm.imo.org.ir/article-1-3111-en.html>

26. Sattarzadeh D, Balilan Asl L. Identification of the components of sense of place in architecture of houses in first pahlavi era in Iran (case study: Tabriz). *European Online Journal of Natural and Social Sciences*. 2015; 4: 436-450. Available from:
https://europeanscience.com/eojnss_pro/article/view/4487

27. Moussavi Aghdam K. Building Iran: Modernism, Architecture, and National Heritage under the Pahlavi Monarchs. 2012; JSTOR. Available from:
<https://www.proquest.com/docview/1348256713>

28. Diba D. Contemporary architecture of Iran. *Architectural Design*. 2012; 82: 70-79.
<https://doi.org/10.1002/ad.1406>

29. Sadeghifar M, Pazhouhanfar M, Farrokhzad M. An exploration of the relationships between urban building facade visual elements and people’s preferences in the city of Gorgan, Iran. *Architectural Engineering and Design Management*. 2019;15(6), 445-458.
<https://doi.org/10.1080/17452007.2018.1548340>

30. Harvey D. The urbanization of capital: Studies in the history and theory of capitalist urbanization. *Science and Society*. 1987; 51. Available from:
<https://escholarship.org/uc/item/5cf6w44q>

31. Christophers B. Revisiting the urbanization of capital. *Annals of the association of American geographers*, 2011; 101: 1347-1364.
<https://doi.org/10.1080/00045608.2011.583569>

32. Khatami SM, Boujari P, Ranjbar E. Toward a social responsibility-based model for urban design education.

41. Mousavi SM, Karimian Bostani M, Hafiz Reza Zadeh M. Analysis of sustainable income sources for urban development (case study: city of Tehran). *Journal of Regional Planning*. 2021; 11 (41): 135-148.
<https://doi.org/10.30495/jzpm.2021.4400>
42. Danesh Jafari D, Babajani J, Karimi Osbuei S. Stability Analysis of Financial Resources and Income of Tehran Municipality. *Journal of Urban Economics and Management*. 2015; 2 (7):15-28.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23452870.1393.2.7.2.7>
43. Sharzeh ie G, Majed V. Sustainable financing of the city, how to finance sustainable urban development. *Urban Management*. 2011; 9 (27): 299-316.
Available from:
<https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=264795>
44. Khatami S. Heydarian A, Najafi, Edalatkhah D. The effect of Borj-Bagh on urban spaces- Case study: Distrtict 1, Ozgol. *Journal of Architecture*. 2020; 12: 2-31. Available from:
<https://www.magiran.com/paper/2038762>
38. Habibi E, Khatami S.M. Analysis of Tehran's Urban Façades Identity Case study: Shariati street. *Urban Mangement*. 2022; 65, 28-44.
Available from:
<http://ijurm.imo.org.ir/article-1-3176-en.html>
39. Motadayyen H, Hojjati R. Artificial facades; The identification capacities in the management of new towns. *Manzar*. 2012; 20 (0), 70-73.
Available from: http://www.manzar-sj.com/article_2239.html
40. Shouri M, Noahdi R. Sustainable Income Sources for Municipalities in Iran. *Geography and Human Relations*. 2018; 1 (3): 325-334.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.26453851.1397.1.3.18.3>